



مقدمه حقوق



دوره ۹ - شماره ۲۸ - تابستان ۱۴۰۵

آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع
همایون مافی، محسن رئیس، احمدرضا امیری لاریجانی
امکان سنجی عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به اکوساید در چهارچوب تغییرات اقلیمی
سبحان طیبی، ماجده معقولی
تحلیل ماهیت و سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رویه دیوان در مواجهه با خلأ حقوقی
سمیه رحمانیان، پوریا ابراهیم زاده
منع سوءاستفاده از اضطرار در نظام حقوقی ایران
زینب قادری، عبدالمجید یوسفی، ستار فخرایی
مطالعه تطبیقی شرط انفساخ در حقوق ایران و نهاد انحلال قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
حکیمه محمودسلطانی، مهدی شیخ محمودی
ارکان و مبانی جرم‌انگاری تبانی برای ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه
صابر سیاری زهان
چالش‌های اسناد الکترونیکی در حقوق ایران
محمدرضا عبدی، ساسان وزین پور
نقش دوگانه هوش مصنوعی در مقابله با اطلاعات نادرست و جعل عمیق: چالش‌ها و راهکارها
عاطفه لرججوری، سیداحمد پیروندیزی
ماهیت حقوقی شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران؛ تبیین مبانی اعتبار و قلمرو آن در قراردادهای مشارکت مدنی
سیدعلیرضا حسینی، محمدرضا رستمی، طاهره جعفری
بررسی فقهی و حقوقی جایگاه و نقش وصیت اشخاص بلاوارث در تعیین تکلیف دارایی بعد از فوت
سیده نازنین موسوی
مبانی، شرایط و آثار قراردادهای تأمین کیفری متهم در نظام کیفری ایران
کامران رحیمی سکه روانی
بررسی فقهی بطلان معاملات در قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
مهدی رجائیان، جعفر قجه بیگلر
بره دیدگی اطفال و نوجوانان در فضای سایبری و متاورس: مروری بر شناخت علل تا راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن
جواد چراغی
تحلیل نقش‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمینه تسهیل و صیانت از تجارت بین‌المللی
اسماعیل چوگانی
کارکرد سیاست جنایی دادستانی در پیشگیری و تعقیب جرائم ناقض حقوق عامه
وحید کیومرثی
مطالعه تطبیقی قاعده استقلال شرط دآوری در حقوق ایران، فرانسه، انگلستان و قانون نمونه آنسیترال؛ نظریه‌ها و رویه‌ها
سعید جوهر
وضعیت معاملات مجنون ادواری در حقوق ایران و انگلستان
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رجبعلی طهرانی، فاطمه اله وردی، امیررضا نقروی
تأثیر قوانین سختگیرانه بر رفتارهای مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر
حمیدرضا قناعتیان
نقش صلح آمیز انرژی هسته‌ای در حقوق ایران و نظام بین‌الملل با رویکرد جدید
مجاهد امیری، فاطمه اصغرزاده شیرازی
تأثیر فناوری‌های نوین، هوشمندسازی و تحول دیجیتال در اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
نگار فولادی، وجیهه محسنی
تحلیل جرم شناختی قاچاق کالا در استان هرمزگان
احمد پدیدار، محمد کمالی
قرارداد هوشمند در نظام حقوقی ایران
مهدی صالحی زاده
چالش‌های حقوقی دولت الکترونیک و مسئولیت مدنی دولت
سعید سردشتی بیرجندی
اصل بی طرفی تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی کیفری ایران
محمدحسن ملک محمدی
تحلیل کیفی مبانی و قلمرو مسئولیت کیفری در ارتکاب جرائم ناشی از سندرم پای بی قرار: تعامل اختلال عصبی-حرکتی با
ارکان تقصیر و قابلیت انتساب
زهره عنالوی اصفهانی
نسبت قاعده و استثناء در حقوق مدنی ایران: با تأکید بر اصل لزوم قراردادهای و موارد خروج از آن
امیررضا علی تبار
نهادسازی اساسی: ثبت‌نام در ارتش و حبس دسته‌جمعی در ایالات متحده آمریکا
برایان سایکز، امی کیتی بابلی، یاسر شاکری



Criminological Analysis of Smuggling of Goods in Hormozgan Province

تحلیل جرم شناختی قاچاق کالا در استان هرمزگان

Ahmad Padidar

Master of Criminal Law and Criminology, Tabnak University, Lamerd, Iran (Corresponding Author)

احمد پدیدار
کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران
(نویسنده مسئول)

ahmadpadidar6@gmail.com

Mohammad Kamali

Ph.D. in criminal law and criminology, Islamic Azad University, United Arab Emirates branch, Dubai, United Arab Emirates

محمد کامالی
دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی، دوی، امارات متحده عربی

mohammadkamalikish@gmail.com

Abstract

Smuggling of goods in Hormozgan province, beyond a customs violation, is a multilayered and structural phenomenon that has become a security-economic challenge under the influence of geopolitical, economic, and subcultural factors. The present study aims to analyze the criminology of smuggling of goods in the local context of Hormozgan province using a descriptive-analytical method. The research findings show that traditional approaches of physical border control against organized smuggling networks that exploit regulatory gaps in free zones and ports are ineffective, and the transition from physical control to smart supply chain and warehousing management is an inevitable necessity. Accordingly, a regional-oriented criminal policy model is proposed that is based on three complementary pillars: first, technological situational prevention through the precise implementation of electronic warehouse receipts and invoices and system integration; Second, enhancing institutional coordination through the establishment of a provincial joint command room with online access to big data; and third, social prevention to empower coastal communities' livelihoods and reduce structural incentives. This model can reduce the gap between legal stipulation and executive efficiency in Hormozgan Province and upgrade the province's water borders from a crime hotspot to a gateway to sustainable development.

Keywords: Smuggling of Goods, Technological Prevention, Environmental Criminology.

چکیده

قاچاق کالا در استان هرمزگان، فراتر از یک تخلف گمرکی، پدیده‌ای چندلایه و ساختاری است که تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیک، اقتصادی و خرده‌فرهنگی، به یک چالش امنیتی-اقتصادی تبدیل شده است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل جرم‌شناختی قاچاق کالا در بستر بومی استان هرمزگان با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که رویکردهای سنتی کنترل فیزیکی مرز در برابر شبکه‌های سازمان‌یافته قاچاق که از شکاف‌های نظارتی در مناطق آزاد و بنادر بهره‌برداری می‌کنند، ناکارآمد است و گذار از کنترل فیزیکی به مدیریت هوشمند زنجیره تأمین و انبارداری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس، الگوی سیاست جنایی منطقه‌محور پیشنهاد می‌گردد که بر سه رکن مکمل استوار است: نخست، پیشگیری وضعی فناوریانه از طریق اجرای دقیق قبض و حواله الکترونیکی انبار و یکپارچه‌سازی سامانه‌ها؛ دوم، ارتقای هماهنگی نهادی از طریق تأسیس اتاق فرمان مشترک استانی با دسترسی برخط به کلان‌داده‌ها؛ سوم، پیشگیری اجتماعی جهت توانمندسازی معیشتی جوامع ساحلی و کاهش انگیزه‌های ساختاری. این الگو می‌تواند فاصله میان تصریح قانونی و کارآمدی اجرایی را در استان هرمزگان تقلیل داده و مرزهای آبی این استان را از کانون جرم‌خیز به دروازه توسعه پایدار ارتقاء بخشد.

واژگان کلیدی: قاچاق کالا، پیشگیری فناوریانه، جرم‌شناسی محیطی.

ارجاع:

پدیدار، احمد؛ کمالی، محمد؛ (۱۴۰۵)، تحلیل جرم شناختی قاچاق کالا در استان هرمزگان، تمدن حقوقی، شماره ۲۸.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

قاچاق کالا در زمره مهم‌ترین جرایم اقتصادی و ساختاری در نظام حقوقی و اجتماعی ایران قرار دارد؛ جرمی که صرفاً به جابه‌جایی غیرقانونی کالا محدود نمی‌شود، بلکه به‌مثابه یک پدیده چندلایه، موجب اختلال در نظم اقتصادی، تضعیف تولید ملی، کاهش درآمدهای عمومی، گسترش بازارهای غیررسمی، افزایش زمینه‌های فساد و تضعیف اقتدار حاکمیت در اعمال نظارت بر جریان تجارت می‌شود. از منظر جرم‌شناسی، قاچاق کالا نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل فرصت‌زا، ساختاری، اقتصادی، فرهنگی و نهادی است و نه صرفاً محصول اراده فردی مرتکب. بدین معنا، سیاست جنایی مؤثر در این حوزه باید از سطح واکنش کیفری فراتر رود و به سمت پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی، کنترل فرصت‌های مجرمانه و کاهش بسترهای ارتکاب حرکت کند.

استان هرمزگان به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خاص خود، از جمله وجود مرزهای دریایی گسترده، بنادر مهم تجاری، مسیرهای پرتردد واردات و صادرات، مجاورت با آب‌های آزاد و ارتباط مستمر با شبکه‌های حمل‌ونقل رسمی و غیررسمی یکی از حساس‌ترین کانون‌های قاچاق کالا در کشور به شمار می‌آید. این ویژگی‌ها، در عین ایجاد ظرفیت‌های عظیم اقتصادی، زمینه‌های مساعدی را نیز برای بهره‌برداری مجرمانه، سوءاستفاده از رویه‌های تجاری، پنهان‌سازی کالا و ورود و

خروج غیرقانونی اقلام فراهم می‌سازد؛ بنابراین، قاچاق کالا در هرمزگان صرفاً یک تخلف مرزی یا گمرکی نیست، بلکه مسئله‌ای جرم‌شناختی، اقتصادی، مدیریتی و امنیتی است که تحلیل آن مستلزم توجه به شرایط خاص منطقه‌ای است.

در همین راستا، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، به‌ویژه با اصلاحات اخیر، نشان می‌دهد که قانون‌گذار نیز به‌تدریج از رویکرد صرفاً سرکوب‌گرانه فاصله گرفته و به سمت سازوکارهای پیشگیرانه، سامانه‌محور و نظارتی حرکت کرده است. برای نمونه، ماده ۵ دولت را مکلف می‌کند برای پیشگیری از ارتکاب قاچاق و شناسایی نظام‌مند آن، سامانه‌های الکترونیکی و هوشمند لازم را ایجاد و راه‌اندازی کند و برای اشخاص حقیقی و حقوقی نیز تکالیفی در رعایت این سامانه‌ها مقرر می‌دارد. این امر نشان می‌دهد که قانون‌گذار، پیشگیری فناورانه را یکی از ارکان اصلی مقابله با قاچاق تلقی کرده است. همچنین ماده ۶ با تأکید بر جمع‌داده‌ها، یکپارچه‌سازی اطلاعات و ایجاد سامانه جامع یکپارچه‌سازی و نظارت بر فرایند تجارت درصدد کاهش زمینه‌های بروز قاچاق از طریق شفاف‌سازی جریان اطلاعات و کنترل فرایندهای تجاری است.

ایجاد سامانه مقررات تجاری برای ابلاغ برخط مقررات و نیز سامان‌دهی انبارها و مراکز نگهداری کالا از طریق صدور الکترونیکی قبض و حواله انبار، در حقیقت ابزارهایی برای کاهش ابهام، جلوگیری از انباشت غیرشفاف کالا و مسدودسازی یکی از مهم‌ترین بسترهای قاچاق هستند. علاوه بر این، پیش‌بینی ضمانت اجرایی مانند جریمه نقدی، محرومیت از اشتغال به حرفه، ممنوعیت از فعالیت تجاری و سایر مجازات‌های مرتبط، نشان‌دهنده اهتمام قانون‌گذار به ایجاد بازدارندگی در کنار پیشگیری است. به‌ویژه مقررات مرتبط با ماده ۵ و نیز تبصره ماده ۶ مکرر که برای برخی رفتارهای متخلفانه ضمانت اجرا تعیین کرده‌اند، از این حیث قابل توجه‌اند که قانون‌گذار مسئولیت اشخاص حقیقی و حقوقی را در زنجیره قاچاق به رسمیت شناخته است.

با این همه، مسئله اساسی آن است که وجود مقررات تقنینی، هرچند ضروری، لزوماً به معنای تحقق کارآمدی در مقام اجرا نیست. تجربه عملی نشان می‌دهد که قاچاق کالا همچنان در برخی مناطق، از

جمله استان هرمزگان، به دلیل ترکیبی از عوامل اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، نهادی و نظارتی استمرار می‌یابد. این امر نشان می‌دهد که میان تصریح قانونی و اثربخشی اجرایی فاصله‌ای جدی وجود دارد. به عبارت دیگر، اگرچه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ در اصلاحات اخیر، ابزارهای مهمی برای پیشگیری، کنترل، شفاف‌سازی و اعمال ضمانت اجرا پیش‌بینی کرده است، اما پرسش بنیادین آن است که این سازوکارها تا چه اندازه می‌توانند در بافت خاص استان هرمزگان که دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد جغرافیایی و تجاری است، به‌طور مؤثر عمل کنند؟ از منظر جرم‌شناسی، پاسخ به این پرسش مستلزم تحلیل علل تداوم قاچاق، شناسایی خلأهای ساختاری در نظارت، بررسی نقاط ضعف در هماهنگی نهادی و ارزیابی میزان تناسب سیاست‌های پیشگیرانه با واقعیت‌های منطقه‌ای است. چه‌بسا برخی سیاست‌ها در سطح ملی طراحی شده باشند، اما در سطح محلی و در بستر استان‌های ساحلی، به‌ویژه استان هرمزگان، به‌علت تفاوت در ساختار اقتصادی، شیوه‌های ارتکاب، شبکه‌های واسطه‌ای و نوع تعامل با مرزهای دریایی کارآمدی لازم را نداشته باشند.

از این رو، پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که مبارزه مؤثر با قاچاق کالا در استان هرمزگان، نیازمند رویکردی تلفیقی است که در آن، پیشگیری وضعی، پیشگیری فناورانه، تقویت نظارت هوشمند، کاهش فرصت‌های مجرمانه، ارتقاء هماهنگی نهادی و اعمال ضمانت اجرای متناسب، به‌صورت هم‌زمان و مکمل به کار گرفته شوند؛ بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش آن است که با وجود پیش‌بینی سازوکارهای پیشگیرانه و ضمانت اجرای مختلف در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، راهکارهای جرم‌شناختی مؤثر برای مقابله با پدیده قاچاق کالا در استان هرمزگان چیست و این راهکارها چگونه باید متناسب با ویژگی‌های خاص این استان طراحی و اجرا شوند؟

پدیده قاچاق کالا در استان هرمزگان به دلیل جایگاه استراتژیک در شبکه تجارت دریایی کشور، صرفاً یک چالش انتظامی نبوده، بلکه یک ابرچالش اقتصادی و امنیتی است. ضرورت این پژوهش از سه منظر قابل تبیین است: منظر جرم‌شناختی: با توجه به تغییر الگوی قاچاق از روش‌های سنتی به شیوه‌های سازمان‌یافته و بهره‌گیری از خلأهای نظارتی در زنجیره تأمین و انبارداری، شناسایی بسترهای

نوین جرم‌زا ضروری است. منظر تقنینی و اجرایی: هرچند قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با تأکید بر ماده‌هایی همچون ماده‌های ۵ و ۶ و ماده‌های مرتبط با سامانه‌های هوشمند، رویکردی پیشگیرانه اتخاذ کرده است، اما کاربست این مقررات در جغرافیای خاص استان هرمزگان نیازمند بومی‌سازی و رفع چالش‌های عملیاتی است. منظر اقتصادی-اجتماعی: تداوم قاچاق در این استان، امنیت سرمایه‌گذاری رسمی را مخدوش کرده و هزینه‌های کلانی بر اقتصاد ملی تحمیل می‌کند.

۱- گونه‌شناسی عوامل جرم‌زا در مناطق ساحلی

گونه‌شناسی عوامل جرم‌زا در استان هرمزگان، به‌عنوان یکی از استراتژیک‌ترین هاب‌های ترانزیتی و تجاری منطقه و دارای حساس‌ترین مرزهای آبی کشور، مستلزم واکاوی لایه‌های متداخل است. از منظر جرم‌شناسی انتقادی و نظریه‌های فشار ساختاری، قاچاق در این جغرافیا صرفاً یک انتخاب عقلانی برای کسب سود بیشتر نیست، بلکه واکنشی ساختاری به نابرابری‌های فضایی و فقر نسبی است که در مجاورت با آب‌های آزاد و کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌شدت تشدید می‌شود (بخشی جغناپ، ۱۴۰۲).

در این راستا، برای درک جامع از چرایی و چگونگی ارتکاب این پدیده، عوامل جرم‌زا را می‌توان در دو کلان‌روایت تحلیلی طبقه‌بندی کرد: نخست، عوامل اقتصادی و فقر ساختاری که به مثابه موتور محرک انگیزشی و عوامل رانشگر عمل می‌کنند؛ و دوم، ویژگی‌های جغرافیایی و مرزهای دریایی که به‌عنوان تسهیل‌گرهای موقعیتی و محیطی بستر فیزیکی و عملیاتی ارتکاب جرم را فراهم می‌سازند. در رویکرد سنتی سیاست جنایی، تمرکز عمدتاً بر واکنش کیفری و مجازات بزه کار بود؛ اما رویکرد نوین جرم‌شناسی محیطی و پیشگیری وضعی تأکید دارد که برای درک و مهار قاچاق در مناطق ساحلی، باید معماری فرصت مجرمانه را شناخت. استان هرمزگان با دارا بودن هزاران کیلومتر مرز آبی، ده‌ها جزیره و اسکله‌های صیادی و تجاری متعدد، دارای یک جغرافیای آسیب‌پذیر است که در آن، کنترل سنتی مرزی به دلیل هزینه‌های گزاف و پیچیدگی‌های توپوگرافیک، کارایی لازم را ندارد (ابراهیمی، ۱۴۰۳).

۱-۱- عوامل اقتصادی و فقر ساختاری در نوار ساحلی

پدیده قاچاق کالا در زیست بوم‌های ساحلی، به ویژه در استان هرمزگان، صرفاً یک تخلف گمرکی یا یک کنش فردی آنومیک نیست؛ بلکه برآیندی پیچیده از فقر ساختاری، انسداد مجاری مشروع اقتصادی و غلبه اقتصاد غیررسمی بر پیکره معیشتی جوامع محلی است. از منظر جرم‌شناسی انتقادی و اقتصاد سیاسی جرم، وقتی دولت نتواند توازن میان مرکز و پیرامون را برقرار سازد، نوارهای ساحلی که به دلیل هم‌جواری با آب‌های آزاد پتانسیل تجاری بالایی دارند، به جای آن که به قطب‌های توسعه یافته تبدیل شوند، به کانون‌های حاشیه‌نشینی اقتصادی و تولید جرم تبدیل می‌گردند (بخشی جغناپ، ۱۴۰۲).

فقر در نوار ساحلی استان هرمزگان، از جنس فقر مطلق نیست، بلکه ماهیتی ساختاری و نسبی دارد. بر اساس نظریه فشار ساختاری رابرت مرتون، زمانی که اهداف فرهنگی و اقتصادی جامعه^۱ از طریق مجاری مشروع^۲ برای اقشاری از جامعه در دسترس نباشد، فشار روانی و ساختاری منجر به نوآوری می‌شود. در این وضعیت، فرد برای دستیابی به اهداف مشروع، از روش‌های نامشروع^۳ استفاده می‌کند (ابراهیمی، ۱۴۰۳). در واقع، فقر ساختاری در این مناطق، انگیزه و موتور محرک عرضه نیروی کار به شبکه‌های سازمان یافته قاچاق است.

از منظر جرم‌شناسی توسعه، قاچاق کالا در استان هرمزگان محصول مستقیم نابرابری‌های فضایی و منطقه‌ای است. سیاست‌های کلان اقتصادی کشور در دهه‌های گذشته، عمدتاً بر استخراج منابع از سواحل جنوبی و انتقال آن به مرکز کشور متمرکز بوده است، بدون آن که زیرساخت‌های رفاهی، آموزشی و بهداشتی متناسبی برای بومیان این مناطق فراهم شود (بخشی جغناپ، ۱۴۰۲). این شکاف

۱- مانند کسب ثروت و رفاه

۲- مانند اشتغال در صنایع رسمی، تجارت قانونی و سرمایه‌گذاری

۳- قاچاق

عمیق میان مرکز برخورداری و پیرامون محروم ساحلی، احساس محرومیت نسبی و بی‌عدالتی توزیعی را در میان جوانان ساحل‌نشین تشدید کرده است. وقتی یک شهروند هرمزگانی می‌بیند که کشتی‌های غول‌پیکر تجاری از آب‌های سرزمینی او عبور می‌کنند و میلیاردها دلار کالا بدون پرداخت عوارض محلی ترخیص می‌شود، اما او برای تأمین معیشت روزانه خود با بنزین یا کالای ملوانی دست‌وپنجه نرم می‌کند، تعهد به قانون در او تضعیف می‌شود. این احساس بی‌عدالتی ساختاری، بستر اجتماعی را برای جذب نیرو توسط باندهای سازمان‌یافته قاچاق فراهم می‌آورد. در این رویکرد، قاچاقچی از دیدگاه جامعه محلی، نه یک مجرم، بلکه یک کارآفرین یا تأمین‌کننده نیازهای بازار است که خلاءهای ناشی از فقر و ناکارآمدی ساختارهای رسمی را پر می‌کند.

بررسی عوامل اقتصادی و فقر ساختاری در نوار ساحلی هرمزگان اثبات می‌کند که رویکرد صرفاً کیفری-امنیتی و مبتنی بر واکنش پس از وقوع جرم، در مواجهه با این پدیده محکوم به شکست است. تا زمانی که متغیرهای مستقل اقتصادی^۴ به‌عنوان ریشه‌های تولیدکننده جرم مورد هدف قرار نگیرند و جایگزین‌های مشروع اقتصادی^۵ ایجاد نگردند، قاچاق کالا به‌عنوان یک مکانیسم دفاعی اقتصادی در برابر فقر ساختاری، به حیات خود در سواحل استان هرمزگان ادامه خواهد داد. این تحلیل، ضرورت گذار از سیاست جنایی سرکوب‌گر به سیاست جنایی پیشگیرانه مبتنی بر توانمندسازی اقتصادی-اجتماعی را برجسته می‌سازد.

۱-۲- نقش ویژگی‌های جغرافیایی و مرزهای دریایی در تسهیل جرم

در رویکرد جرم‌شناسی محیطی، جغرافیا صرفاً یک بستر منفعل برای وقوع جرم نیست، بلکه متغیری فعال است که از طریق خلق ساختارهای فرصت‌زا، هزینه‌های ارتکاب جرم را کاهش و انگیزه‌های مجرمانه را تقویت می‌کند. استان هرمزگان به دلیل قرارگیری در حساس‌ترین نقطه ژئوپلیتیک و

۴- مانند بیکاری، تورم و نابرابری منطقه‌ای

۵- مانند توسعه شیلات، گردشگری دریایی پایدار و مناطق آزاد واقعی با نفع محلی

ژئواکونومیک منطقه^۶، دارای یک اکوسیستم جغرافیایی تسهیل گر جرم است.

بر اساس نظریه الگوی جرم که توسط برانتینگهام توسعه یافته است، محیط‌های فیزیکی دارای پیچیدگی‌های توپوگرافیک، به‌عنوان تولیدکننده جرم عمل می‌کنند. استان هرمزگان با دارا بودن بیش از هزار کیلومتر نوار ساحلی و ده‌ها جزیره دارای یک جغرافیای منفذدار است. از منظر نظریه انتخاب عقلانی، قاچاقچیان به‌عنوان کنشگرانی عقلانی، دائماً در حال ارزیابی نسبت ریسک به پاداش هستند. پهنه‌های آبی استان هرمزگان به دلیل فقدان موانع فیزیکی طبیعی^۷، تلاش لازم برای عبور غیرقانونی کالا را به‌شدت تقلیل می‌دهد. در مقابل، مرزهای خشکی قابل کنترل با دیوار، فنس یا پاسگاه‌های ثابت هستند، اما مرزهای آبی ماهیتی سیال و نامرئی دارند. ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰، ورود و خروج کالا از معابر غیررسمی را ممنوع کرده است، اما در عمل، آبراهه‌های کوچک^۸ و سواحل صیادی در استان هرمزگان، عملاً مفهوم مرز رسمی را در مقیاس محلی بی‌معنا کرده و بسترهای فیزیکی را برای تسهیل گری محیطی فراهم آورده‌اند.

یکی از پیچیده‌ترین لایه‌های تسهیل‌گری جغرافیایی در استان هرمزگان، پدیده جزایر و مناطق آزاد تجاری-صنعتی^۹ در مجاورت سرزمین اصلی است. از منظر سیاست‌گذاری، این مناطق برای توسعه صادرات و جذب سرمایه ایجاد شده‌اند، اما از منظر جرم‌شناسی وضعی، این هم‌جواری جغرافیایی یک شیب قیمتی-مکانی شدیداً سودآور خلق کرده است. فاصله فیزیکی بسیار اندک میان اسکله‌های مناطق آزاد^{۱۰} تا سواحل سرزمین اصلی^{۱۱}، هزینه لجستیکی نشت کالا را به حداقل رسانده

۶- تنگه هرمز، دریای عمان و خلیج فارس

۷- مانند کوهستان‌های صعب‌العبور در مرزهای خشکی

۸- خورها

۹- قشم و کیش

۱۰- مانند اسکله شهید حقانی در قشم

۱۱- مانند سواحل بندرعباس، خمیر و کنگان

است. قاچاق سازمان یافته در استان هرمزگان، دیگر صرفاً ورود کالا از خارج کشور نیست، بلکه قاچاق داخلی یا انحراف کالای مجاز وارداتی به مناطق آزاد به سمت سرزمین اصلی است. قانون گذار برای مقابله با این پدیده جغرافیایی-اقتصادی، در تبصره‌های ماده ۶ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، تکالیفی را برای صدور الکترونیکی قبض و حواله انبار و نظارت بر زنجیره تأمین در مناطق آزاد پیش‌بینی کرده است. باین حال، تا زمانی که معماری فضا و سهولت عبور از تنگه‌های باریک میان جزایر و سرزمین اصلی تغییر نکند، فضا جغرافیایی برای ارتکاب جرم همچنان بر بازدارندگی قوانین غلبه خواهد داشت. در این جا، جغرافیا نه به عنوان یک مانع، بلکه به عنوان یک پل ارتباطی ارزان برای شبکه‌های قاچاق عمل می‌کند.

واکاوی ویژگی‌های جغرافیایی و مرزهای دریایی استان هرمزگان اثبات می‌کند که رویکرد سنتی کنترل فیزیکی و ایست و بازرسی در این استان، به دلیل ماهیت سیال آب و گسترده‌گی توپوگرافیک، محکوم به ناکارآمدی است. جغرافیای استان هرمزگان، فرصت‌های مجرمانه‌ای را تولید می‌کند که نیازمند پیشگیری وضعی هوشمند است؛ بنابراین، سیاست جنایی مؤثر در این استان نباید با جغرافیا بجنگد، بلکه باید با استفاده از فناوری‌های نوین^{۱۲}، هزینه ادراک شده ارتکاب جرم را در این بستر تسهیل گر، به طور مصنوعی افزایش دهد.

۱-۳- گونه‌شناسی روش‌های ارتکاب قاچاق کالا در استان هرمزگان

یکی از شایع‌ترین و درعین حال پیچیده‌ترین روش‌های ارتکاب قاچاق در سواحل استان هرمزگان، سوءاستفاده از معافیت‌های گمرکی پیش‌بینی شده برای لنج‌های صیادی و ملوانی است. ته‌لنجی به کالایی اطلاق می‌شود که توسط لنج‌های صیادی و با استفاده از سهمیه معافیت گمرکی ملوانان وارد کشور می‌گردد و ته‌باری نیز به کالاهایی گفته می‌شود که به عنوان بار لنج‌های باری و با معافیت‌های

۱۲- مانند رادارهای ساحلی، پهپادهای شناسایی و سامانه‌های پایش الکترونیکی لنج‌ها

خاص وارد می‌شوند. از منظر جرم‌شناسی انتقادی، این پدیده مصداق بارز تبدیل فرصت قانونی به بستر مجرمانه و سوءاستفاده از خلأهای تقنینی است. شبکه‌های سازمان‌یافته قاچاق، با دور زدن روح قانون و تجمع سهمیه‌های خرد ملوانان بومی از طریق شرکت‌های کاغذی و واسطه‌ها، حجم عظیمی از کالا را بدون پرداخت حقوق گمرکی وارد بازار داخلی می‌کنند. این روش، در ادبیات جرم‌شناسی تحت عنوان قاچاق نهادینه‌شده قابل تحلیل است؛ زیرا مجرمان به جای تقابل مستقیم با مرزبانان، از پوشش قانونی و اسناد تجاری معتبر برای استتار جرم استفاده می‌کنند. در استان هرمزگان، به دلیل وجود ده‌ها اسکله صیادی و خورهای متعدد، نظارت بر حجم واقعی و نوع کالای وارداتی با چالش‌های جدی مواجه است و این امر، هزینه ادراک‌شده ارتکاب جرم را برای شبکه‌های سازمان‌یافته به شدت تقلیل می‌دهد.

با تشدید نظارت‌های گمرکی در مبادی ورودی، قاچاقچیان سازمان‌یافته در استان هرمزگان به سمت روش‌های پیچیده‌تری نظیر ترانزیت صوری و قاچاق چمدانی روی آورده‌اند. ترانزیت صوری به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن کالا تحت عنوان کالای ترانزیتی وارد کشور می‌شود، اما به جای خروج از مرزهای خروجی، با استفاده از اسناد جعلی، تغییر پلمب، یا تبانی با عوامل داخلی، در بازار داخلی استان هرمزگان و سایر استان‌ها عرضه می‌گردد. بنادر تجاری مانند شهید رجایی و مناطق آزاد قشم و کیش، به دلیل حجم بالای تردد کانتینرها و پیچیدگی فرایندهای ترانزیت، بسترهای مستعدی برای این نوع قاچاق محسوب می‌شوند. ازسوی دیگر، قاچاق چمدانی روشی است که در آن کالاهای لوکس، گران‌قیمت و با حجم کم^{۱۳} توسط مسافران و از طریق فرودگاه‌ها یا پایانه‌های مرزی وارد می‌شود. تحلیل این روش بر پایه نظریه انتشار ریسک استوار است؛ بدین معنا که شبکه‌های قاچاق، ریسک کشف را بین تعداد زیادی از مسافران خرد تقسیم می‌کنند تا آشناسایی سرشبکه‌ها جلوگیری نمایند. در این روش، قاچاقچی از چهره قانونی مسافر به عنوان سپر دفاعی در برابر بازرسی‌های فیزیکی استفاده می‌کند.

۱۳- مانند قطعات الکترونیکی، دارو و لوازم آرایشی

سوخت‌بری و قاچاق معکوس از دیگر ابعاد روش‌های ارتکاب قاچاق در استان هرمزگان هستند که ریشه در نابرابری‌های اقتصادی و تفاوت فاحش قیمت‌ها دارند. سوخت‌بری به معنای خروج غیرقانونی فرآورده‌های نفتی^{۱۴} از سواحل استان هرمزگان به کشورهای حاشیه خلیج فارس است. بر اساس نظریه فشار ساختاری و نظریه فعالیت‌های روزمره، سوخت‌بری در استان هرمزگان صرفاً یک جرم اقتصادی نیست، بلکه به یک اقتصاد زیرزمینی کلان و استراتژی بقاء برای جوامع ساحلی تبدیل شده است. وجود قایق‌های تندرو، اسکله‌های غیرمجاز و شبکه‌های توزیع دریایی این روش را به یکی از پرریسک‌ترین و درعین‌حال سودآورترین روش‌های قاچاق در این استان تبدیل کرده‌اند. در مقابل، قاچاق معکوس به ورود کالاهای قاچاق از مناطق آزاد به سرزمین اصلی اطلاق می‌شود. در این روش، قاچاقچیان با استفاده از لنج‌های کوچک، قایق‌های تندرو و حتی غواصان کالاهای رسوب‌شده در انبارهای مناطق آزاد را از طریق آبراهه‌های غیرمجاز به سواحل سرزمین اصلی منتقل می‌کنند. این پدیده، نشان‌دهنده جابجایی جرم از مبادی رسمی گمرکی به سمت مرزهای آبی متخلخل و غیرقابل کنترل است.

۲- الگوهای ارتکاب و بزه کاران سازمان‌یافته در استان هرمزگان

درک پدیده قاچاق کالا در استان هرمزگان، نیازمند عبور از تحلیل‌های فردگرایانه و حرکت به سمت رویکردهای کلان‌ساختاری و شبکه‌ای در جرم‌شناسی است. قاچاق در این جغرافیای خاص، دیگر یک کنش مجرمانه صرفاً فردی یا یک تخلف گمرکی ساده نیست؛ بلکه به مثابه یک بنگاه اقتصادی سایه عمل می‌کند که از ساختارها، الگوهای ارتکاب پیچیده و شبکه‌های سازمان‌یافته بهره می‌برد. بر اساس نظریه شبکه‌ای جرم‌سازمان‌یافته، قاچاقچیان در استان هرمزگان نه به صورت جزایر جداگانه، بلکه در قالب خوشه‌های به هم پیوسته‌ای عمل می‌کنند که هریک نقش و کارکرد ویژه‌ای در زنجیره تأمین، حمل‌ونقل، توزیع و پولشویی دارند.

۱۴- به‌ویژه نفت کوره و بنزین

استان هرمزگان به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود، بستر مساعدی را برای تکامل الگوهای ارتکاب قاچاق فراهم آورده است. در این استان، الگوهای ارتکاب از روش‌های سنتی و پرخطر^{۱۵} به سمت روش‌های مدرن، هوشمندانه و مبتنی بر سوءاستفاده از معافیت‌های قانونی تغییر مسیر داده‌اند. پدیده‌هایی نظیر ته‌لنجی، ته‌باری، تغییر کشتی در نقطه صفر مرزی و سوءاستفاده از شکاف قیمتی میان مناطق آزاد و سرزمین اصلی، نشان‌دهنده پویایی و انطباق‌پذیری بالای شبکه‌های قاچاق با مقررات و رویه‌های تجاری رسمی است.

از منظر جرم‌شناسی سازمان‌یافته، بزه‌کاران فعال در این عرصه دارای یک تقسیم کار تخصصی هستند. در رأس این هرم، سرمایه‌گذاران کلان و طراحان شبکه قرار دارند که اغلب از پشتوانه مالی و نفوذ اجتماعی برخوردارند و خود را از خطر بازداشت کیفری مصون می‌دارند. در لایه‌های میانی، دلالان، کارگزاران گمرکی، واسطه‌های مالی و هماهنگ‌کنندگان لجستیکی قرار دارند که حلقه اتصال سرمایه به نیروی کار اجرایی هستند. در نهایت، در لایه بیرونی، نیروی کار اجرایی^{۱۶} قرار دارند که اغلب به دلیل فشارهای اقتصادی و فقر ساختاری به‌عنوان ابزارهای قابل جایگزین در این چرخه بهره‌کشی قرار می‌گیرند.

۲-۱- تحلیل شبکه‌های قاچاق و واسطه‌گری

پدیده قاچاق کالا در استان هرمزگان، به دلیل موقعیت استراتژیک این استان در تقاطع مسیرهای ترانزیتی دریایی و مجاورت با مناطق آزاد تجاری، از یک کنش مجرمانه فردی و سنتی فراتر رفته و به یک پدیده سازمان‌یافته و شبکه‌ای تبدیل شده است. از منظر جرم‌شناسی، قاچاق کالا در این زیست‌بوم دیگر صرفاً یک تخلف گمرکی نیست، بلکه حاصل تعامل پیچیده شبکه‌های مجرمانه^{۱۷} و واسطه‌گران تسهیل‌گر است که با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، اقتصادی و اطلاعاتی، هزینه‌های

۱۵- مانند عبور از مرزهای خشکی

۱۶- مانند لنج‌بانان، ملوانان و کارگران بارگیری

مبادله و ریسک ارتکاب جرم را به حداقل می‌رسانند.

در ادبیات جرم‌شناسی سازمان‌یافته، شبکه‌های قاچاق به‌عنوان سیستم‌هایی غیررسمی اما به‌شدت ساختاریافته عمل می‌کنند که از الگوهای سلسله‌مراتبی یا غیرمتمرکز^{۱۷} پیروی می‌کنند. بر اساس ماده اول قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، جرم سازمان‌یافته به گروهی ساختاریافته متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای انجام یک یا چند جرم جهت انتفاع مالی یا مادی تشکیل شده‌اند، اطلاق می‌گردد.

در استان هرمزگان، این شبکه‌ها دارای یک معماری سه‌لایه هستند: لایه هسته^{۱۸}: این لایه معمولاً از دید ضابطان قضایی و مرزی پنهان است. سرمایه‌گذاران اصلی که اغلب در خارج از کشور یا در کلان‌شهرهای مرکزی مستقر هستند، تأمین مالی، خرید کالا در مبادی مبدأ و طراحی مسیرهای لجستیکی را بر عهده دارند. آن‌ها با استفاده از شرکت‌های کاغذی و حساب‌های بانکی صوری، هویت خود را در زنجیره قاچاق استتار می‌کنند. لایه میانی^{۱۹}: این لایه در استان هرمزگان مستقر هستند. وظیفه آن‌ها اجاره یا خرید لنج‌ها و قایق‌های موتوری، استخدام ملوانان بومی، هماهنگی با ترخیص کاران گمرکی و مدیریت انبارهای دپوی کالا پیش از ورود به سرزمین اصلی است. لایه بیرونی^{۲۰}: شامل لنج‌بانان، ملوانان، کارگران بارگیری و رانندگان وسایل نقلیه باری است که اغلب به دلیل فقر ساختاری و بیکاری به‌عنوان ابزارهای قابل جایگزین در این شبکه به کار گرفته می‌شوند.

یکی از پیچیده‌ترین الگوهای ارتکاب در استان هرمزگان، سوءاستفاده سازمان‌یافته از معافیت‌های قانونی ملوانی^{۲۱} و باری^{۲۲} است. شبکه‌های قاچاق با دور زدن روح قانون، ظرفیت‌های قانونی

۱۷- شبکه‌ای

۱۸- سرمایه‌گذاران و طراحان کلان

۱۹- سازماندهندگان لجستیک و واسطه‌گران کلان

۲۰- اجراکنندگان بومی و نیروی کار

۲۱- ته‌لنجی

۲۲- ته‌باری

تخصیص یافته به مرز نشینان را تجمیع کرده و آن را به یک ابزار تجاری کلان برای ورود سیستماتیک کالا تبدیل می کنند. بر اساس نظریه انتخاب عقلانی قاچاقچیان سازمان یافته در استان هرمزگان به جای تقابل مستقیم و پرهزینه با نیروی دریایی یا گمرک، از شکاف های تقنینی و نظارتی در سامانه های جامع تجارت و سامانه ملوانی بهره برداری می کنند (بخشی جغنا، ۱۴۰۲).

۲-۲- واسطه گری مجرمانه؛ حلقه های اتصال و تسهیل گران قاچاق

در رویکرد جرم شناسی محیطی و نظریه ساختار فرصت واسطه ها نقش دروازه بانان را ایفاء می کنند. واسطه گری در قاچاق کالای استان هرمزگان، یک پدیده صرفاً اقتصادی نیست، بلکه یک مکانیسم جرم شناختی برای کاهش عدم قطعیت و مدیریت ریسک است.

شبکه های قاچاق برای عبور از مرزهای آبی و ورود به بازار رسمی، به شدت به واسطه های تخصصی وابسته اند: کارگزاران گمرکی و ترخیص کاران: این واسطه ها با تسلط بر رویه های پیچیده گمرکی و سامانه های الکترونیکی^{۲۳}، کالای قاچاق را از طریق اظهارنامه های صوری، کم اظهاری یا تغییر تعرفه در پوشش قانونی وارد چرخه تجاری رسمی می کنند. در مناطق آزاد استان هرمزگان، این واسطه ها با ایجاد شرکت های وارداتی صوری، کالای قاچاق دپو شده در انبارها را به نام شرکت های معتبر ترخیص می کنند. انبارداران و صاحبان مراکز نگهداری کالا: بر اساس ماده ۶ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، نظارت بر انبارها و صدور قبض و حواله الکترونیکی الزامی است. باین حال، واسطه های مجرمانه با تبانی با برخی انبارداران غیررسمی یا حتی سوءاستفاده از انبارهای رسمی، کالای قاچاق را با کالای قانونی مخلوط می کنند تا ردیابی آن برای ضابطان غیرممکن شود. دلالان بازار و توزیع کنندگان عمده: این واسطه ها حلقه اتصال اقتصاد غیررسمی به اقتصاد رسمی هستند. آن ها با ایجاد شبکه های توزیع مویرگی در سراسر کشور، کالای قاچاق ورودی از هرمزگان

۲۳- مانند سامانه جامع امور گمرکی

را در بازارهای هدف تزریق می کنند.

تحلیل شبکه های قاچاق و واسطه گری در استان هرمزگان اثبات می کند که رویکرد سنتی کشف و ضبط کالا در مرز^{۲۴} در برابر ساختارهای شبکه ای و منعطف مجرمان، کارآمدی لازم را ندارد. شبکه های قاچاق مانند یک ارگانیزم زنده عمل می کنند که با حذف یک گره^{۲۵}، به سرعت گره های جایگزین را فعال می کنند؛ بنابراین، سیاست جنایی پیشگیرانه در این استان باید از کنترل فیزیکی مرز به سمت اختلال در شبکه و هدف قرار دادن واسطه های کلیدی^{۲۶} تغییر مسیر دهد. این امر نیازمند ارتقاء سواد فناوری ضابطان، یکپارچایی سامانه های نظارتی و اعمال ضمانت اجراهای سنگین برای اشخاص حقوقی و واسطه گران تسهیل گر است تا هزینه ارتکاب جرم در این زنجیره سازمان یافته، از سود حاصله فراتر رود.

۳-۲- بررسی بستر پذیرش اجتماعی قاچاق در جوامع محلی

پدیده قاچاق کالا در استان هرمزگان، تنها یک کنش فردی یا یک تخلف صرفاً گمرکی نیست، بلکه پدیده ای است که در بستر یک پذیرش اجتماعی ریشه دوانده و تداوم می یابد. از منظر جرم شناسی جامعه شناختی، زمانی که یک رفتار بزه کارانه در لایه های زیرین یک جامعه محلی بازتعریف شده و از دایره جرم انگاری اجتماعی خارج می گردد، کنترل رسمی و کیفری آن با بن بست های عمیقی مواجه می شود. در جوامع ساحلی و مرزی استان هرمزگان، قاچاق کالا به دلیل تعامل پیچیده میان محرومیت های ساختاری، پیشینه تاریخی تجارت دریایی و کارآمدی پایین نهادهای رسمی به یک هنجار جایگزین تبدیل شده است.

بر اساس نظریه فرصت های نامشروع کلوارد و اوهلین، جوامعی که در آن ها دسترسی به مجاری

۲۴- رویکرد ایست و بازرسی

۲۵- مانند توقیف یک لنج

۲۶- نقاط گلوگاه لجستیکی و مالی

مشروع کسب ثروت و منزلت اجتماعی مسدود باشد، ساختارهایی برای بهره‌برداری از فرصت‌های نامشروع شکل می‌گیرد. در نوار ساحلی استان هرمزگان، به دلیل فقر ساختاری و بیکاری مزمن، قاچاق کالا دیگر به‌عنوان یک کج‌رفتاری یا جرم تلقی نمی‌شود، بلکه در قالب یک خرده‌فرهنگ بزهکارانه بازتولید می‌گردد. در این خرده‌فرهنگ، قاچاقچی نه به‌عنوان یک مجرم، بلکه به‌عنوان یک کارآفرین، تأمین‌کننده نیازهای بازار و حتی قهرمان محلی که خلاءهای ناکارآمدی ساختارهای رسمی را پر می‌کند، شناخته می‌شود. این عادی‌سازی باعث می‌شود که پیوستن به شبکه‌های قاچاق^{۲۷} نه تنها سرزنش اجتماعی به همراه نداشته باشد، بلکه به‌عنوان یک شغل موروثی و هنر تجاری مایه افتخار و منزلت در میان بومیان ساحل‌نشین تلقی گردد (غلامی و نمروزی، ۱۳۹۸، ۶۵).

پذیرش اجتماعی قاچاق در استان هرمزگان، از طریق مکانیسم‌های روان‌شناختی تکنیک‌های خنثی‌سازی سیکس و ماترا نیز تقویت می‌شود. اعضاء جامعه محلی و حتی خود بزه کاران، برای رفع تعارض میان ارتکاب جرم و ارزش‌های درونی جامعه، از استدلال‌های خنثی‌کننده استفاده می‌کنند. برای نمونه، تکنیک محکوم کردن محکوم‌کنندگان در این بافتار به وفور دیده می‌شود؛ به این معنا که بومیان هرمزگانی، نهادهای حاکمیتی و مرکزگرا را به دلیل بی‌توجهی به توسعه متوازن ساحل، عدم ایجاد زیرساخت‌های شیلاتی و گردشگری، و بهره‌کشی از منابع مرزی بدون بازگشت منافع به جامعه محلی، مقصر اصلی می‌دانند (بخشی جغناپ، ۱۴۰۲). همچنین، تکنیک انکار آسیب با این توجیه که ما در حال تجارت هستیم و به کسی ضرر نمی‌زنیم یا این حق تاریخی ما برای بهره‌برداری از دریا است، باعث می‌شود که قبح اخلاقی و حقوقی قاچاق در ذهنیت جمعی جامعه محلی از بین برود (ابراهیمی، ۱۴۰۳).

بستر پذیرش اجتماعی قاچاق تنها به جامعه تولیدکننده و تسهیل‌گر^{۲۸} محدود نمی‌شود، بلکه در

۲۷- از جمله لنج‌بانی، ته‌لنجی و سوخت‌بری

۲۸- سواحل استان هرمزگان

سطح کلان، جامعه مصرف کننده در مرکز کشور نیز در این پذیرش شریک است. به دلیل فشارهای اقتصادی، تورم و کاهش قدرت خرید، بخش بزرگی از شهروندان ایرانی، کالای قاچاق را نه به عنوان یک کالای مجرمانه، بلکه به عنوان یک کالای اقتصادی و ضروری برای تأمین معیشت می پذیرند (ابراهیمی، ۱۴۰۳). این تقاضای کلان، به قاچاق در استان هرمزگان مشروعیت اقتصادی می بخشد و شبکه های مجرمانه را از یک باند صرفاً محلی، به یک بنگاه اقتصادی سایه با مقیاس ملی تبدیل می کند. در واقع، پذیرش اجتماعی قاچاق، یک چرخه معیوب از تولید در مرز و مصرف در مرکز را شکل داده است که ریشه در ناکارآمدی اقتصاد رسمی و فرهنگ مصرف گرایی دارد.

۳- نقش مناطق آزاد تجاری-صنعتی قشم و کیش در تسهیل قاچاق کالا

مناطق آزاد تجاری-صنعتی قشم و کیش، به عنوان پیشران های استراتژیک در سیاست های کلان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، با اهدافی نظیر جذب سرمایه گذاری خارجی، انتقال فناوری و تسهیل تجارت بین الملل تأسیس شده اند. با این حال، از منظر جرم شناسی محیطی و تحلیل موقعیت، این مناطق به دلیل برخورداری از مشوق های قانونی خاص^{۲۹}، یک گرادیان اقتصادی-فضایی شدیدی را در مجاورت سرزمین اصلی ایجاد کرده اند. این شکاف قیمتی و نظارتی، معماری فرصت مجرمانه را به گونه ای بازطراحی کرده است که مناطق آزاد قشم و کیش، نه صرفاً به عنوان کانون های توسعه اقتصادی، بلکه به عنوان تولیدکنندگان جرم و پل های ارتباطی میان اقتصاد رسمی و اقتصاد سایه عمل می کنند (ابراهیمی، ۱۴۰۳).

شایع ترین و درعین حال پیچیده ترین الگوی ارتکاب قاچاق در مناطق آزاد قشم و کیش، پدیده ای است که در ادبیات جرم شناسی اقتصادی از آن تحت عنوان قاچاق معکوس یا نشت کالا یاد می شود. شبکه های سازمان یافته قاچاق، با بهره گیری از پوشش قانونی ورود کالا به منطقه آزاد، کالاهای

۲۹- از جمله معافیت های گمرکی، سهولت در ورود و خروج کالا و رژیم های ارزی متفاوت

لوکس، قطعات الکترونیکی، لوازم خانگی و حتی خودرو را بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی وارد این مناطق می‌کنند. در مرحله بعد، به جای مصرف یا فرآوری این کالاها در داخل منطقه، از طریق مسیرهای غیررسمی، خورهای ساحلی و لنج‌های تندرو، این کالاها به سرزمین اصلی قاچاق می‌شوند (رستمی غازانی و رحمانی فرد، ۱۴۰۱، ۱۵۴).

این الگو، مصداق بارز انتخاب عقلانی است؛ زیرا مجرمان با ارزیابی نسبت ریسک به پاداش، دریافته‌اند که هزینه ورود قانونی کالا به منطقه آزاد، به مراتب کمتر از هزینه ورود همان کالا به گمرکات سرزمین اصلی است. قانون‌گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، با درک این آسیب‌شناسی، تکالیفی را برای نظارت بر ورود و خروج کالا از مناطق آزاد پیش‌بینی کرده است، اما در مقام اجرا، به دلیل جزیره‌ای عمل کردن سامانه‌های گمرکی منطقه آزاد و سرزمین اصلی، این نظارت با خلأهای جدی مواجه است.

بر اساس نظریه فعالیت‌های روزمره کوهن و فلسون، وقوع جرم نیازمند تلاقی سه عامل است: مجرم بانگیزه، هدف مناسب و فقدان نگهبان قادر. در زیست‌بوم مناطق آزاد قشم و کیش، فقدان نگهبان قادر در لایه‌های مختلف نظارت وضعی مشهود است. سامانه‌های جامع گمرکی و تجاری مستقر در مناطق آزاد، فاقد اتصال برخط و بدون واسطه با سامانه‌های نظارتی سرزمین اصلی^{۳۰} هستند. این عدم تقارن اطلاعاتی، به قاچاقچیان اجازه می‌دهد تا با استفاده از شرکت‌های کاغذی و اظهارنامه‌های صوری، ردپای کالای قاچاق را در حلقه میانی زنجیره تأمین گم کنند (رستمی غازانی و رحمانی فرد، ۱۴۰۱، ۱۵۵). در مناطق آزاد، انبارهای متعدد و مراکز نگهداری کالا وجود دارند که نظارت بر قبض و حواله الکترونیکی آن‌ها با چالش مواجه است. تباری برخی انبارداران با شبکه‌های قاچاق و استفاده از تکنیک‌های تهاتر فیزیکی^{۳۱}، از دیگر بسترهای تسهیل‌گر است (غلامی و نمروری، ۱۳۹۸، ۶۵).

۳۰- مانند سامانه جامع امور گمرکی و سامانه جامع تجارت

۳۱- جابجایی کالای قاچاق با کالای قانونی در انبار

از منظر جرم‌شناسی جامعه‌شناختی، تسهیل قاچاق در مناطق آزاد تنها یک پدیده اقتصادی نیست، بلکه با پذیرش اجتماعی و عادی‌سازی همراه است. ساکنان بومی جزایر قشم و کیش و همچنین فعالان اقتصادی مستقر در این مناطق، اغلب با استفاده از تکنیک‌های خنثی‌سازی، رفتار مجرمانه خود را توجیه می‌کنند. استدلال‌هایی نظیر ما در حال تجارت آزاد هستیم و قانون مناطق آزاد به ما این حق را داده است، رقابت با کالای خارجی بدون معافیت گمرکی غیرممکن است و این حق تاریخی و جغرافیایی ما برای بهره‌برداری از موقعیت مرزی است، قبح اخلاقی و حقوقی قاچاق را در ذهنیت فعالان اقتصادی این مناطق زدوده است (ابراهیمی، ۱۴۰۳).

۴- تحلیل جامعه‌شناختی خرده‌فرهنگ قاچاق در استان هرمزگان

پدیده قاچاق کالا در استان هرمزگان، فراتر از یک کنش مجرمانه صرفاً اقتصادی یا یک تخلف گمرکی، تجلی‌گاه یک واقعیت پیچیده جامعه‌شناختی است که در بستر زیست‌جهان جوامع ساحلی معنا می‌یابد. درک تداوم و بازتولید این پدیده در نوار ساحلی استان هرمزگان، نیازمند عبور از تقلیل‌گرایی‌های حقوقی-کیفری و حرکت به سمت واکاوی لایه‌های پنهان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. در بسیاری از جوامع محلی این استان، قاچاق از دایره کج‌رفتاری و جرم‌انگاری اجتماعی خارج شده و در قالب یک خرده‌فرهنگ با نظام ارزشی، هنجارها و حتی مکانیسم‌های تنبیهی خاص خود بازتعریف شده است. این خرده‌فرهنگ، قاچاق را نه به‌عنوان یک تهدید علیه نظم عمومی، بلکه به‌عنوان یک هنر تجاری، میراث دریانوردی و حتی استراتژی مشروع بقاء تلقی می‌کند. از منظر جرم‌شناسی جامعه‌شناختی، شکل‌گیری و تثبیت این خرده‌فرهنگ بزهکارانه، محصول تعامل دیالکتیکی میان ساختارهای کلان اقتصادی-سیاسی و زیست‌جهان خرد جوامع محلی است. زمانی که کانال‌های مشروع دستیابی به اهداف فرهنگی^{۳۲} در برابر بخش‌هایی از جامعه مسدود می‌شود

و احساس محرومیت نسبی و بی‌عدالتی ساختاری تشدید می‌گردد، فشار ساختاری منجر به گسست هنجاری و ظهور آنومی می‌شود. در این بستر، قاچاق به‌عنوان یک نوآوری در چهارچوب نظریه فشار مرتون، جایگزین مجاری قانونی می‌گردد. افزون بر این، از طریق فرایندهای یادگیری اجتماعی و انتقال بین‌نسلی، تکنیک‌ها، توجیهات و ارزش‌های مرتبط با قاچاق از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و در بافت اجتماعی این جوامع نهادینه می‌گردد.

۴-۱- تبیین جرم‌شناختی قاچاق بر اساس نظریه فشار ساختاری مرتون و آنومی

در بافتار جامعه‌شناختی استان هرمزگان، این نظریه به مثابه یک کلیدواژه تحلیلی عمل می‌کند که نشان می‌دهد چگونه قاچاق کالا، نه به‌عنوان یک کج‌رفتاری هنجار شکنانه، بلکه به‌عنوان یک واکنش منطقی و ساختاری به فشارهای اقتصادی و انسداد مجاری مشروع ظهور می‌یابد. بر اساس مدل مرتون، جامعه مدرن ایران، اهداف مادی و اقتصادی^{۳۳} را به‌شدت ترویج می‌کند. با این حال، ساختار اجتماعی و اقتصادی، دسترسی برابر به مجاری مشروع^{۳۴} را برای تمامی طبقات و مناطق جغرافیایی فراهم نمی‌آورد. استان هرمزگان، به‌عنوان قطب ترانزیت، انرژی و تجارت دریایی کشور، با یک تناقض آشکار مواجه است: تراکم ثروت و امکانات کلان اقتصادی در کنار حاشیه‌نشینی و محرومیت نسبی بومیان.

مواجهه بصری و عینی جوانان و جوامع محلی ساحلی با حجم عظیم کالا، کشتی‌های غول‌پیکر و مناطق آزاد تجاری درحالی‌که خود از سهم ناچیزی در منافع رسمی این مناطق برخوردارند، احساس محرومیت نسبی و فشار ساختاری شدیدی را در آن‌ها ایجاد می‌کند. این وضعیت، بستر بروز آنومی را فراهم می‌آورد؛ جایی که هنجارهای رسمی کارکرد خود را از دست داده و فرد احساس می‌کند رعایت قوانین گمرکی و تجاری، نه‌تنها منجر به موفقیت نمی‌شود، بلکه به معنای عقب ماندن از قافله اقتصادی است (رستمی‌غازانی و رحمانی‌فرد، ۱۴۰۱، ۱۵۲).

۳۳- مانند ثروت‌اندوزی، رفاه و منزلت اجتماعی

۳۴- مانند آموزش عالی، اشتغال رسمی، سرمایه اولیه و تجارت قانونی

۲-۴- نقش یادگیری اجتماعی و انتقال بین نسلی قاچاق در جوامع ساحلی استان هرمزگان

در رویکرد جرم‌شناسی جامعه‌شناختی، نظریه مشارکت افتراقی ادوین ساترلند و متعاقب آن نظریه یادگیری اجتماعی رونالد اکرز، تبیین‌گر اصلی چگونگی شکل‌گیری، تداوم و بازتولید رفتارهای بزهکارانه در بافت‌های اجتماعی خاص است. بر اساس این نظریات، رفتار مجرمانه، محصول یک انحراف روانی یا زیست‌شناختی نیست، بلکه مانند هر رفتار مشروع دیگری، از طریق تعاملات اجتماعی و درون گروه‌های همبسته آموخته می‌شود. در جوامع ساحلی و مرزی استان هرمزگان، به دلیل تراکم شبکه‌های قاچاق و عادی‌سازی این پدیده در لایه‌های زیرین فرهنگ بومی، فرایند یادگیری اجتماعی و انتقال بین‌نسلی، به یکی از مهم‌ترین موتورهای محرک تداوم قاچاق کالا تبدیل شده است. کودکان و نوجوانان ساحل‌نشین در فرایند جامعه‌پذیری، به‌طور مداوم در معرض روایت‌هایی قرار می‌گیرند که قاچاقچی را نه به‌عنوان یک مجرم، بلکه به‌عنوان یک کارآفرین، نان‌آور و فرد شجاع ترسیم می‌کنند. این فراگیری اجتماعی، قبح اخلاقی و حقوقی قاچاق را در ذهنیت نسل جدید زدوده و زمینه را برای ورود آن‌ها به این عرصه در سنین پایین‌تر فراهم می‌آورد (غلامی و نمروری، ۱۳۹۸، ۶۵).

انتقال بین‌نسلی، تنها محدود به آموزش مهارت‌های فنی نیست، بلکه شامل انتقال سرمایه اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی با دلالان و تکنیک‌های خنثی‌سازی احساس گناه^{۳۵} نیز می‌گردد. در نتیجه، نسل جدید نه به دلیل فقر مطلق، بلکه به دلیل فقدان الگوهای مشروع جایگزین و دسترسی آسان به ساختارهای نامشروع نهادینه‌شده در خانواده، مسیر قاچاق را به‌عنوان منطقی‌ترین راه ارتقای پایگاه اجتماعی و اقتصادی انتخاب می‌کند (ابراهیمی، ۱۴۰۳).

نقش یادگیری اجتماعی در استان هرمزگان، با سوءاستفاده هوشمندانه شبکه‌های سازمان‌یافته قاچاق از سرمایه اجتماعی و پیوندهای خویشاوندی بومیان تشدید می‌گردد. باندهای سازمان‌یافته

۳۵- مانند توجیه این که ما به کسی آسیب نمی‌زنیم و فقط کالای مورد نیاز مردم را تأمین می‌کنیم

قاچاق که اغلب در لایه‌های پنهان و دور از دسترس قانون قرار دارند، برای تأمین نیروی کار اجرایی به جای استخدام نیروهای بیگانه، از میان بومیان همان سواحل و بر اساس پیوندهای خونی و قبیله‌ای اقدام می‌کنند. در این مدل، یادگیری اجتماعی با اجبار ساختاری و حمایت شبکه‌ای درمی‌آمیزد. فرد بومی می‌آموزد که قاچاق نه تنها یک شغل، بلکه یک تعهد خانوادگی و قبیله‌ای است. این همبستگی ارگانیک باعث می‌شود که کنترل‌های اجتماعی غیررسمی^{۳۶} کاملاً خنثی شده و جامعه محلی به جای همکاری با ضابطان قضایی، به‌عنوان یک سپر دفاعی برای حفاظت از شبکه‌های قاچاق در برابر نهادهای حاکمیتی عمل کند.

۳-۴- تحلیل عوامل فرهنگی و سیاسی مؤثر بر قاچاق در استان هرمزگان

در رویکرد جرم‌شناسی انتقادی و جامعه‌شناسی جنایی، پدیده قاچاق کالا صرفاً یک کنش فردی ناشی از طمع اقتصادی یا یک تخلف گمرکی ساده تلقی نمی‌شود؛ بلکه برآیندی از تعاملات پیچیده میان سازه‌های فرهنگی، مناسبات سیاسی و ساختارهای قدرت است. استان هرمزگان به دلیل برخورداری از یک زیست‌بوم خاص ساحلی و قرارگیری در تقاطع منافع کلان اقتصادی ملی و معیشت خرد بومیان، کانون تلاقی عوامل فرهنگی و سیاسی جرم‌خیز است. درک عمیق از چرایی تداوم و بازتولید قاچاق در این استان، مستلزم عبور از تقلیل‌گرایی‌های صرفاً اقتصادی و واکاوی لایه‌های پنهان فرهنگی و سیاسی حاکم بر این منطقه است. از منظر جرم‌شناسی فرهنگی، قاچاق در استان هرمزگان به مثابه یک خرده‌فرهنگ بزهکارانه عمل می‌کند که در آن، هنجارهای رسمی قانون با هنجارهای غیررسمی جامعه محلی در تضاد قرار می‌گیرند. در فرهنگ قبیله‌ای و همبسته سواحل جنوبی، سرمایه اجتماعی^{۳۷} که در حالت عادی مایه توسعه است، توسط شبکه‌های سازمان‌یافته قاچاق مصادره شده و به سرمایه اجتماعی مخرب تبدیل می‌گردد. این بافت فرهنگی باعث می‌شود جامعه

۳۶- مانند سرزنش جامعه محلی نسبت به مجرم

۳۷- اعتماد متقابل، پیوندهای خونی و شبکه‌های هم شهری

محلی در برابر پرسش‌گری نهادهای حاکمیتی سکوت پیشه کرده و حتی به‌عنوان سپر دفاعی از باندهای قاچاق حمایت کنند (غلامی و نمروری، ۱۳۹۸، ۶۸).

تحلیل فرهنگی قاچاق در استان هرمزگان تنها به عرضه محدود نمی‌شود؛ بلکه فرهنگ مصرف‌گرایی کالای خارجی در سطح ملی، بستر تقاضای این جرم را فراهم می‌آورد. در ذهنیت بخش بزرگی از جامعه ایران، کالای قاچاق نه یک کالای مجرمانه، بلکه نمادی از ارزش اقتصادی و کیفیت تلقی می‌شود. این گفتمان فرهنگی، قبح اخلاقی خرید کالای قاچاق را از بین برده و عملاً شبکه‌های استان هرمزگان را برای تزریق کالا به بازار رسمی و غیررسمی کشور توجیه می‌کند. عوامل سیاسی و ساختاری، بسترهای لازم برای رشد خرده‌فرهنگ قاچاق را در استان هرمزگان فراهم می‌آورند. از منظر جرم‌شناسی سیاسی و نظریه مرکز-پیرامون، قاچاق در این استان واکنشی ساختاری به نابرابری‌های قدرت و ثروت است.

یکی از چالش‌های بنیادین در سیاست‌گذاری‌های سیاسی حاکم بر مرزهای استان هرمزگان، تقدم رویکرد امنیتی-انتظامی بر رویکرد توسعه‌ای-اجتماعی است. نگاه صرفاً پلیسی به پدیده قاچاق، بدون در نظر گرفتن پیوست‌های معیشتی مرزنشینان، باعث جرم‌انگاری گسترده و طرد اجتماعی بومیان می‌شود. این رویکرد سیاسی، به جای توانمندسازی لنج‌بانان و ملوانان از طریق اعطای مجوزهای قانونی تجارت خرد مرزی، آن‌ها را به سمت اقتصاد زیرزمینی و شبکه‌های سازمان‌یافته قاچاق سوق می‌دهد. در لایه‌های پنهان ساختار سیاسی و اجرایی، وجود رانت‌های اطلاعاتی و فساد بوروکراتیک در برخی از گمرکات و مناطق آزاد، بستر جرم‌خیز بی‌نظیری برای قاچاق سازمان‌یافته ایجاد کرده است. شبکه‌های کلان قاچاق با استفاده از نفوذ سیاسی و ایجاد تبانی با برخی از کارگزاران گمرکی یا مقامات محلی، کالاهای قاچاق را در پوشش اسناد قانونی^{۳۸} وارد کشور می‌کنند. این پدیده نشان می‌دهد که قاچاق در استان هرمزگان تنها یک جرم خیابانی نیست، بلکه یک جرم یقه‌سفید است که

از خلأهای نظارتی و ضعف شفافیت در ساختارهای سیاسی-اقتصادی منطقه تغذیه می‌کند.

واکاوای عوامل فرهنگی و سیاسی در استان هرمزگان اثبات می‌کند که قاچاق کالا در این منطقه، ریشه در یک آنومی ساختاری و گسست میان قانون رسمی و ارزش‌های بومی دارد. تا زمانی که سیاست‌گذاران کلان، به جای اصلاح ساختارهای سیاسی طردکننده و توانمندسازی اقتصادی جوامع محلی، صرفاً به ابزارهای پیشگیری وضعی^{۳۹} متوسل شوند، قاچاق به‌عنوان یک هنجار جایگزین در خرده‌فرهنگ ساحلی به حیات خود ادامه خواهد داد؛ بنابراین، راهکارهای جرم‌شناختی مؤثر در استان هرمزگان، نیازمند تلفیقی از پیشگیری اجتماعی^{۴۰} و توسعه بومی^{۴۱} است تا سرمایه اجتماعی منطقه، از بستر جرم‌خیز به سمت بستر توسعه‌ای تغییر مسیر دهد.

نتیجه

قاچاق در استان هرمزگان، محصول تقاطع دو نیروی محرک اصلی است. از یک سو، فقر ساختاری، محرومیت نسبی و حاشیه‌نشینی اقتصادی در نوار ساحلی که انگیزه‌های مجرمانه را در سطح خرد و کلان تولید می‌کند؛ و از سوی دیگر، ویژگی‌های توپوگرافیک و ژئوپلیتیک که به مثابه تولیدکننده جرم عمل کرده و هزینه ادراک شده ارتکاب را به شدت تقلیل می‌دهند. در این بستر، قاچاق دیگر یک کج رفتاری صرف نیست، بلکه به یک استراتژی بقا و اقتصاد غیررسمی نهادینه شده تبدیل شده است. قاچاقچیان در استان هرمزگان به‌عنوان کنشگرانی عقلانی، از روش‌های سنتی و پرخطر فاصله گرفته و به ساختارهای شبکه‌ای، منعطف و سلسله‌مراتبی روی آورده‌اند. بهره‌برداری سوء از معافیت‌های قانونی، استفاده از واسطه‌گران و دور زدن سامانه‌های نظارتی، نشان‌دهنده بلوغ یافتگی بنادر قاچاق و تبدیل آن به یک بنگاه اقتصادی سایه است که

۳۹- مانند دیوارکشی مرزی یا تشدید مجازات‌ها

۴۰- از طریق ارتقاء مشارکت سیاسی بومیان و اصلاح گفت‌وگو با مصرف‌گرایان

۴۱- توزیع عادلانه ثروت مناطق آزاد و بنادر

مدیریت آن نیازمند درک دقیق از زنجیره تأمین مجرمانه است.

با استفاده از نظریه تکنیک‌های خنثی‌سازی و خرده‌فرهنگ بزهکارانه، تبیین شد که چگونه احساس بی‌عدالتی توزیعی و تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه مخرب، قبح اخلاقی و حقوقی قاچاق را در ذهنیت جامعه محلی زدوده است. این پذیرش اجتماعی، عملاً یکی از مهم‌ترین ارکان پیشگیری اجتماعی را که همان کنترل‌های غیررسمی و سرزنش جامعه است، فلج کرده است. رویکردهای سنتی، مبتنی بر واکنش کیفری، مبارزه فیزیکی و ایست و بازرسی در برابر این اکوسیستم چندلایه، محکوم به شکست و اتلاف منابع هستند. جغرافیای سیال استان هرمزگان و پیچیدگی شبکه‌های سازمان‌یافته، نشان می‌دهد که سیاست جنایی فعلی باید از کنترل مرز فیزیکی به سمت مسدودسازی فرصت‌های مجرمانه^{۴۲}، شفاف‌سازی زنجیره تأمین^{۴۳} و توانمندسازی اقتصادی-اجتماعی جوامع محلی^{۴۴} تغییر مسیر دهد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- ابراهیمی، شهرام، ۱۴۰۳، **جرم‌شناسی پیشگیری**، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات میزان.
- بخشی جغناوب، قدیر، ۱۴۰۲، تبیین جامعه‌شناختی علل قاچاق کالا در مناطق مرزی ایران و راهکارهای مبارزه با آن (با رویکرد تلفیقی فراتحلیل و فراترکیب)، **فصلنامه علوم و فنون مرزی**، شماره ۴۴.

۴۲- پیشگیری وضعی

۴۳- پیشگیری فناورانه

۴۴- پیشگیری اجتماعی

- رستمی غازانی، امید و رحمانی فرد، محسن، ۱۴۰۱، سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالا و ارز

سازمان یافته، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۱۲۰.

- غلامی، حسین و نمروری، رحیم، ۱۳۹۸، تحلیل جرم شناختی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال

۱۳۹۲، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۸۸

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.28- Summer 2026

Legal Effects Arising from the Opening of Letters of Credit on the Buyer and the Beneficiary

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi, Ahmadreza Amiri Larijani

Examining the Potential for International Criminal Justice to Address Ecocide in the Context of Climate Change

Sobhan Tayebi, Majede Magholi

Analyzing the Nature and Mechanism of Enforcing Decisions of the International Court of Justice with an Emphasis on the Court's Practice in Facing Legal Lacunae

Somayah Rahmanian, Pouria Ebrahimzadeh

Prohibiting the Abuse of Emergency in the Iranian Legal System

Zeinab Ghaderi, Abdolmajid Yousefi, Sattar Fakhræi

Comparative Study of the Automatic Termination Clause in Iranian Law and the Contract Avoidance Mechanism under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods

Hakime Mahmood Soltani, Mahdi Sheikh Mahmoodi

A Comparative Study of the Elements and Principles of Criminalizing Collusion to Commit a Crime in Iranian and French Criminal Law

Saber Sayyari Zohan

Challenges of Electronic Documents in Iranian Law

Mohammadreza Abdi, Sasan Vazin Puor

The Dual Role of Artificial Intelligence in Countering Misinformation and Deep Forgery: Challenges and Solutions

Atefeh Lorkijori, Seyed Ahmad Peyrovnaziri

Legal Nature of the Foundational Condition in Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law; Explaining the Bases of Its Validity and Its Scope in Civil Partnership Contracts

Seyyed Alireza Hosseini, Mohammadreza Rostami, Tahere Jafari

A Jurisprudential Legal Study of the Status and Role of Wills of Intestate Persons in Determining the Disposition of Property After Death

Sayede Nazanin Mousavi

Foundations, Conditions and Effects of Criminal Sentences in the Iranian Criminal System

Kamran Rahimi Sekkeh Ravani

A Jurisprudential Study of the Invalidity of Transactions in the Law Requiring Official Registration of Immovable Property Transactions

Mahdi Rajaean, Jafar Ghajeh Beigloo

Child and Adolescent Victimization in the Metaverse: a Review of Understanding Causes to Prevention and Countermeasures

Javad Cheraghi

Analysis of the Supporting Roles of the Convention on the International Sale of Goods in Facilitating and Protecting International Trade

Esmail Chogani

The Function of the Prosecutors Criminal Policy in the Prevention and Prosecution of Crimes Violating Public Rights

Vahid Kioumars

Comparative Study of the Rule of Independence of Arbitration Clause in Iranian, French, English Law and the UNCITRAL

Model Law; Theories and Practices

Saeed Johar

the Legal Status of Transactions of Periodically Insane Persons in the Law of Iran and England

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani, Fatemeh Allahverdi, Amirreza Noghavi

The Impact of Strict Laws on Drug-related Behaviors

Hamidreza Ghanaatian

The Peaceful Role of Nuclear Energy in Iranian law and the International System with a New Approach

Mojahed Amiri, Fatemeh Asgharzadeh Shirazi

The Impact of New Technologies, Smartification, and Digital Transformation on the Implementation of the Mandatory Registration Law

Negar Fouladi, Vajihe Mohseni

Criminological Analysis of Smuggling of Goods in Hormozgan Province

Ahmad Padidar, Mohammad Kamali

Smart Contract in the Iranian Legal System

Mahdi Salehi Zadeh

Legal Challenges of E-Government and Government Civil Liability

Saeed Sardashti Birjandi

the Principle of Impartiality of the Reason for Education in the Iranian Criminal Procedure

Mohammadhasan Malek Mohammadi

Qualitative Analysis of the Foundations and Scope of Criminal Liability in the Commission of Crimes Caused by Restless Legs Syndrome: the Interaction of Neuromotor Disorder with the Elements of Fault and Attributability

Zahra Enalouy Esfahani

The Relationship Between Rule and Exception in Iranian Civil Law with Emphasis on the Principle of the Binding Force of Contracts and Its Exceptions

Amirreza Alitabar

Institutional Castling: Military Enlistment and Mass Incarceration in the United States

Bryan L. Sykes, Amy Kate Bailey, Yasser Shakeri